

بسم ربنا الاقدس الاعظم العلیّ الابهی

سبیل الهی اظهر از شمس و برهان احکم عمّا فی الامکان هو المحمود فی فعله و المطاع فی امره و المهیمن بسلطانه و الظاهر بآياته التي احاطت الآفاق خباء مجد بر اعلى المقام مرتفع و رایة امر بر اعلى الاعلام منصوب ولكن اهل ارض غافل و محجوب الّا عدّة معدودات هم ایادی الامر بین العباد فی الحقیقه امروز ذکر و ثنا لایق این نفوسست که باصلاح عالم قیام نموده‌اند و بما ترتفع به کلمة الله مؤیدند و الّا ذات قدم جلّ جلاله از جمیع ما تدرکه العقول و ینطق به اللسان مقدّس و مبرّاً و الصلوة و السلام و البهّاء علی اولیّاته و احبّاته الّذین ما نقضوا عهده و میثاقه اولئک عباد وصفهم الله فی کتبه و زبره و الواحه سبحانک یا الهه الممکنات و مقصود الکائنات اسئلك ببحر علمک و شمس عطائک بان تؤیّد اولیّاتک فی کلّ حین علی ما یقرّبهم الیک و قدرّ لهم ما ینبغی لوجودک و مواهبک انک انت الله لا اله الا انت المقنن القدير

و بعد نامه آن محبوب روحانی رسید فی الحقیقه عندلیبی بود مغرّد و آیتی بود مترنّم یشهد الخادم أنّها كانت حمامة هدرت علی غصن العرفان تعالی الرّحمن الّذی ایدکم و وقّفکم و عرفکم و علّمکم و انطقکم بشنّاته بین عباده عرف محبّة الله و استقامت از تمام آن نامه متضوّع و مشهود له الفضل و العطاء و له العظمة و الکبریاء از غنیّ متعال در جمیع احوال سائل و آمل که بر تأیید آن محبوب بیفزاید و باسباب غیب و شهود مدد فرماید لتتلق فی کلّ شأن بالحکمة و البیان بما یقرّب الناس الی الله مقصود العالمین فلما سمع الخادم ترنّماتکم و تغرّداتکم قصدت المقام الاعلی و الذروة العلیا الی ان حضرتت و عرضت امام الوجه اذا نطق لسان العظمة بما اشرق نیر الفضل و اللطاف و احاطت انواره البلاد قوله تعالی بیانه و تعالی برهانه

بسمه المهیمن علی من فی الارض و السّماء

قد حضر العبد الحاضر لدى المظلوم و قرء ما نطق به لسان فؤادک حبّاً لله و آیاته و شوقاً لبدايع فضله و عطائه قد وجدنا منه عرف الخلوص و الابتهاال لله مالک الایجاد و الناطق فی يوم المعاد طوبی لک بما شربت الرّحیق المختوم باسمی القیوم و فزت بنفحات بیانی و طرت فی هواء حبی و اقبلت الی بحر عرفانی و توجّهت الی انوار الوجه و نطقت بشنّاء الله ربّ العرش العظیم و طوبی لاذنک بما سمعت النداء و لعینک بما شهدت و رأّت آیاتی الکبری نسئله تعالی ان ینظر منک ما تنتشر به آیاته و ما انزله فی کتابه و یؤیّدک علی کلّ خیر جرى من قلمه أنّه علی کلّ شیئی قدیر البهّاء من لدنا علیک و علی من یسمع قولک فی امر الله المهیمن القیوم انتهى

لله الحمد و المنة صریر قلم اعلى مرتفع و حقیف سدره منتهی مسموع عنایت حق جلّ جلاله ظاهر و مشهود از حق تعالی شأنه سائل و آمل که در هر حین عطا فرماید آنچه که سبب اعلاء کلمه اوست در حین عرض مناجات آن محبوب لسان عظمت باینکلمه علیا ناطق قوله تعالی انا وجدناه مؤیّداً بتأییدات ربّه المهیمن علی من فی السّموات و الارض و اینکه در باره جناب احمد علیه بهّاء الله مرقوم داشتند عرض شد و یک لوح امنع اقدس نازل و ارسال گشت انشاء الله بان فائز شوند و از بحر معانی قسمت برند اینعبد خدمت ایشان سلام و تکبیر میرساند و از حق میطلبد از برای ایشان مقدّر فرماید آنچه که سبب و علّت تقرّب است و موفّق دارد ایشان را بر ذکر و ثنایش ان ربّنا الرّحمن هو الفضل الکريم و اینکه در باره قطعه مرقوم داشتند چهار صفحه مبارکه ارسال شد انشاء الله برسد و فائز شوند ذکر و ثنا و تکبیر آنمحبوب را خدمت اغصان سدره الهیّه روحی و کینونتی لتراب قدومهم الفداء معروض داشتم اظهار عنایت فرمودند و از حق جلّ جلاله از برای آنمحبوب تأیید طلب نمودند الذکر و التکبیر و البهّاء علی جنابکم و علی من معکم من الّذین فازوا بالاستقامة الکبری فی هذا الامر العظیم

خاد

فی ۱۲ شهر جمادی الاولی سنه ۱۳۰۳

این سند از [کتابخانه منابع](http://www.bahai.org/fa/legal) دیجیتالی داندلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۶ آوریل ۲۰۲۴، ساعت ۲:۰۰ بعد از ظهر